

مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران
۱. مفاهیم و تعاریف برنامه و برنامه‌ریزی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱	الف) برنامه
۲	ب) انواع برنامه
۴	ج) برنامه ریزی
۶	د) انواع برنامه ریزی
۲۰	هـ) سایر مفاهیم
۲۵	منابع و مآخذ



مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران ۱. مفاهیم و تعاریف برنامه و برنامه‌ریزی

مقدمه

رسیدن به هر هدف و تأمین هر اولویت، نیازمند پی‌موندن مسیری خاص است. برنامه‌ریزی، هنر و فن تعیین و تدبیر مسیر با توجه به اولویت‌های متعدد و منابع در دسترس است. برای هرکدام از مفاهیم مرتبط با برنامه و برنامه‌ریزی، تعاریف و توضیحات متعدد، مشابه و گاه متفاوتی در مراجع مختلف ذکر شده است. این گزارش تلاش می‌کند، این تعاریف و توضیحات را از زبان مراجع مختلف، تجمیع و تلخیص کند.

الف) برنامه^۱

- مجموعه و سائیلی که یک مرکز تصمیم‌گیری اقتصادی برای رسیدن به یک یا چند هدف معین به کار می‌برد.^۲
- نقشه، مجموعه و سائیلی که یک مرکز تصمیم‌گیری اقتصادی برای رسیدن به یک یا چند هدف معین به کار می‌برد.^۳
- نمایش منظم یا رعایت سلسله‌مراتب فعالیت‌های مربوط به هم و مربوط به یک رشته تصمیمات منظم و مرتبط برحسب دوره‌های زمانی مختلف برنامه‌نمایشگر تصمیمات منظم براساس سلسله‌مراتب عملیات است.^۴
- برنامه بیانی روشن، مستند و مشروح از مقاصد و تصمیمات است، برنامه خروجی فرآیند برنامه‌ریزی است.^۵
- برنامه نمایش منظم و یا رعایت سلسله‌مراتب فعالیت‌های مربوط به هم و مربوط به یک رشته تصمیمات منظم و مرتبط برحسب دوره‌های زمانی مختلف است. به عبارت دیگر برنامه گاهنامه تصمیمات منظم براساس سلسله‌مراتب عملیات است.^۶

1. Plan

۲. فرهنگ، ۱۳۵۶

۳. قره‌باغیان، ۱۳۷۲

۴. مدرسی، ۱۳۸۵

5. Bahar.co.ir

۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

ب) انواع برنامه

برنامه‌ها براساس نوع روش برنامه‌ریزی استفاده شده، افق برنامه‌ریزی و... به انواع مختلف تقسیم می‌شوند. انواع مختلف برنامه عبارتند از:^۱

- برنامه‌های دورنگر^۲

معمولاً برنامه‌های دورنگر، دوره‌ای ۱۰ تا ۳۰ ساله را دربرمی‌گیرد. برنامه‌ریزی دورنگر، تحلیلی راهبردی از مسائلی است که ممکن است کشور در آینده با آن روبرو شود، همراه با پیشنهادهایی در زمینه جهت‌گیری‌های آینده چشم‌انداز وسیع برنامه‌ریزی دورنگر، مخصوصاً برای تجدیدنظر در خط‌مشی‌ها (یا سیاست‌ها) تغییر دادن راهبردها و تجدید ساختار اقتصاد کشور، سودمند است.

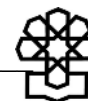
- برنامه‌های بلندمدت^۳

طول برنامه بلندمدت که به نام برنامه آینده‌نگر نیز نامیده می‌شود، معمولاً بین ۱۵ تا ۲۵ سال و اکثراً ۲۰ سال است. فلسفه وجودی این برنامه آن است که بسیاری از تغییرات اقتصادی - اجتماعی مورد نظر در یک برنامه میان‌مدت قابل اجرا نیستند، به برنامه‌های بلندمدت‌تر نیاز است، دیگر آنکه این زمان تقریباً بلندمدت‌ترین زمانی است که در آن می‌توان ویژگی‌های عمده رفتارهای اقتصادی - اجتماعی را ثابت فرض کرد و براساس آن برنامه‌ریزی نمود، درواقع برنامه بلندمدت مسیر نهایی برنامه میان‌مدت را معین می‌کند.

- برنامه‌های میان‌مدت^۴

این برنامه‌ها، معمولاً دوره‌ای ۳ تا ۷ ساله را دربرمی‌گیرند. این برنامه‌ها باید زمانی را دربرگیرند که در چارچوب آن بتوان پیش‌بینی‌ها و برآوردهای دقیق به‌عمل آورد و با درجه معقولی از قطعیت نسبت به تداوم طرح‌های سرمایه‌گذاری اطمینان کرد و ازسوی دیگر مدت زمان کافی برای تجهیز منابع و پیشرفت به سوی تحقق هدف‌های کلی اجتماعی در اختیار قرار دهد.

برنامه‌های میان‌مدت، علاوه بر متغیرهای کلی مربوط به سطح کلان اقتصاد، هدف‌ها، طرح‌ها و سیاست‌های تفصیلی‌تر را نیز شامل می‌شوند و غالباً برحسب طبقه‌بندی‌های بخشی، ناحیه‌ای و حتی کالایی و با توجه به روابط متقابل این طبقه‌بندی‌ها تنظیم می‌شوند.



- برنامه کوتاه مدت^۱

مدت این برنامه بین ۶ ماه تا ۲ سال به طول می‌انجامد و معمولاً یک‌ساله است. برنامه کوتاه مدت یک برنامه کاملاً اجرایی است و در آن اهداف، سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها به عمل تبدیل می‌شود و به صورت طرح و پروژه و فعالیت مشخص می‌گردد.

- برنامه پنج‌ساله

نوعی از برنامه میان مدت جامع است که برای مدت پنج سال تنظیم و به تصویب مجلس می‌رسد و ضمن آن هدف‌ها و سیاست‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی طی همان مدت مشخص می‌شود. در این برنامه کلیه منابع مالی دولت و همچنین منابعی که از طرف شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی صرف عملیات عمرانی می‌گردد از یک طرف و اعتبارات جاری و عمرانی دولت و هزینه‌های عمرانی شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی از طرف دیگر، جهت وصول به هدف‌های مذکور پیش‌بینی می‌گردد.

- برنامه سالیانه

منظور برنامه عملیات اجرایی دولت است که سالیانه تنظیم و همراه بودجه کل کشور تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد و ضمن آن در قالب هدف‌ها و سیاست‌های مندرج در برنامه عمرانی پنج‌ساله هدف‌های مشخص و عملیات اجرایی سالیانه هر دستگاه اجرایی با اعتبار مربوط تعیین می‌شود.

- برنامه توسعه ملی^۲

این برنامه مجموعه‌ای از اهداف و استراتژی‌ها، سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و سازماندهی لازم برای نیل به اهداف تعیین شده است که مدیریت اقتصادی - اجتماعی کشور تدوین می‌کند. منظور از تدوین برنامه توسعه، تشخیص و تعیین استراتژی‌ها و سیاست‌هایی است که به بهترین وجه، راه دستیابی به هدف‌های کلی اقتصادی و اجتماعی را هموار سازد.

- برنامه اقتصادی^۳

سند نوشته شده‌ای، حاوی جهت‌گیری‌ها و چارچوب‌های چگونگی تخصیص منابع و تصمیم‌گیری بین فعالیت‌های مختلف، جهت نیل به نرخ رشد اقتصادی تعیین شده طی دوره‌ای مشخص.

1. Short Term Plan
2. National Development Plan
3. Economic Plan

- برنامه اجرایی، طرح^۱

مجموعه‌ای از عملیات و خدمات مختلف در ارتباط با یکدیگر برای تحقق هدف‌های مشخص برنامه (بخش) می‌باشد. هر برنامه اجرایی متشکل از طرح‌های متعدد است. برنامه اجرایی معمولاً در چارچوب برنامه‌های بلندمدت‌تر تنظیم می‌گردد. هر برنامه اجرایی یا (پروگرام) حاوی هدف‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی و طرح‌های مشخص برای انجام عملیات است. برای مثال برنامه خدمات درمانی شامل هدف‌ها، سیاست‌های کلی و چندین طرح است که اجرای آنها هدف‌های کلی برنامه را تحقق می‌بخشد.

- برنامه منطقه‌ای^۲

برنامه منطقه‌ای در معنای عام به هر برنامه جامع برای یک ناحیه جغرافیایی معین درون یک کشور گفته می‌شود و به معنای خاص برنامه جامع توسعه اقتصادی برای سطح میانی تقسیمات کشوری است.

ج) برنامه‌ریزی^۳

- پویا هدایت عقلایی سازوکار تصمیم‌گیری در امور توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوره‌های زمانی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت به‌منظور بهره‌برداری منطقی و هماهنگ از امکانات، قابلیت‌ها و منابع سرزمین برای تأمین نیازمندی‌های عمومی و اساسی جامعه.^۴

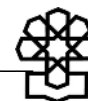
برنامه‌ریزی جریانی است آگاهانه که هر سازمان یا جامعه بر مبنای امکانات و منابع محدود سعی در ایجاد تغییر و تحول در وضع موجود جهت نیل به مطلوب‌ترین وضعیت ممکن در مقطع زمانی مشخص دارد و عبارت است از فعالیت از پیش اندیشیده شده اجتماعی و سازمانی به‌منظور تدوین یک استراتژی بهینه در جهت جامه عمل پوشاندن به یکسری اهداف مطلوب که شامل فرآیندی است منطقی که طی آن کارآیی ابزارهای مختلف با توجه به اهداف ارائه شده می‌تواند افزایش یابد.^۵

کوششی جهت ایجاد تغییرات حساب شده و از قبل تصمیم گرفته شده، برای موقعیت‌های مخصوص است و فرآیندی است مداوم که همیشه با کنترل و تعدیل همراه می‌شود، فرآیندی است

1. Program
2. Regional Plan
3. Planning

۴. مدرسی، ۱۳۸۵

۵. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.



برای جایگزینی اختیاری تصمیم‌های منطقی جهت نیل به هدف‌هایی که از تجزیه و تحلیل منابع و موقعیت‌ها پیدا شده است و طرحی است بلندمدت برای توسعه اجتماعی - اقتصادی یک جامعه که سعی دارد از کلیه منابع و امکانات به طریقی استفاده شود که حالت تعادل در جامعه حفظ شده و سبب افزایش رفاه گردد.^۱

- تخصیص منابع اقتصادی تعیین سطح تولید توسط یک برنامه، به عنوان جایگزینی برای تخصیص آنها توسط بازار.^۲

- کنترل آگاهانه فعالیت‌های اقتصادی برای رسیدن به اهداف مشخص.^۳

عبارت است از فرآیندی دارای مراحل مشخص و به هم پیوسته برای تولید یک خروجی منسجم در قالب سیستمی هماهنگ از تصمیمات از طریق فرآیند برنامه‌ریزی، مجموعه‌ای از تصمیمات هماهنگ اتخاذ می‌شود. به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی فرآیندی شامل روشن ساختن و تعریف حقایق و تشخیص تفاوت بین آنهاست.^۴

عبارت است از یک جریان آگاهانه که به منظور دستیابی به اهداف معین و مشخص، انجام یک سلسله اقدامات و فعالیت‌های مرتبط به یکدیگر را در آینده پیش‌بینی می‌کند.^۵

برنامه‌ریزی فرآیندی است هوشمندانه که طی آن مدیریت یک نظام، اهداف نظام را برای زمان مورد نظر تعیین و راهبردها و چارچوب‌های تصمیم‌گیری برای نیل به اهداف تعیین شده را با توجه به محدودیت‌های موجود و قابل پیش‌بینی در طی برنامه، مشخص می‌کند. در این تعریف چند مفهوم مهم گنجانیده شده است که نیاز به توضیح بیشتر دارد:

برنامه‌ریزی یک جریان است نه یک عمل مقطعی و یا یک سند تدوین شده، برنامه‌ریزی یک امر مستمر و مجموعه‌ای از فعل و انفعالات پیچیده در زمینه جمع‌آوری، انتخاب، بررسی و قضاوت، تعیین اولویت‌ها و ابتکار راهبردها و شیوه‌های تصمیم‌گیری است که دستیابی به اهداف مورد نظر را میسر می‌سازد.

برنامه‌ریزی یک امر آگاهانه و دارای عزم و قصد است. هرچند که تصادف، شانس و احتمالات ممکن است توسط برنامه‌ریزی در نظر گرفته شود، اما جریان برنامه‌ریزی انتخاب منطقی و اصولی شقوق مختلف کار و سیاست‌های گوناگون به منظور تحقق اهداف تعیین شده می‌باشد. برنامه‌ریزی مشخص کردن و تنظیم یک سلسله فعالیت‌ها و اقدام‌هاست که قرار است برای

۱. همان.

۲. دیکشنری اقتصادی روتلیج، ۲۰۰۲.

۳. دایرةالمعارف آمریکانا، ۱۹۹۵.

تحقق اهداف برنامه در آینده صورت پذیرد. این سلسله فعالیت‌ها باید از یک طرف با یکدیگر هماهنگ باشند و از طرف دیگر متناسب با اهداف برنامه تنظیم شده باشند. برنامه‌ریزی در واقع بهینه‌سازی تابع هدف مدیران برنامه‌ریز، مشروط به محدودیت‌های منابع، تکنولوژی و قوانین و مقررات موجود است.^۱

د) انواع برنامه‌ریزی

فرآیند برنامه‌ریزی براساس زمان، هدف، روش و... به گونه‌های مختلف قابل تقسیم‌بندی است. این انواع به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

- برنامه‌ریزی اجباری

گونه‌ای از برنامه‌ریزی است که در آن یکسری هدف‌ها و جهت‌های مشخص، معین شده که مسئول اجرای برنامه باید مو به مو آنها را اجرا کند و نمی‌تواند تغییری در آن به وجود آورد.^۲

- برنامه‌ریزی اجتماعی^۳

فرآیند هدایت و جهت‌گیری و ایجاد هماهنگی در برنامه‌هایی که جنبه رشد و تعالی انسان را دنبال می‌کند یا اسباب بهزیستی‌اش را فراهم آورد. بخش‌هایی مانند ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، بهداشت، تأمین اجتماعی، مسکن، سرگرمی‌ها، اوقات فراغت و... در قلمرو مسائل اجتماعی قرار دارند.^۴ نوعی از برنامه‌ریزی است که در آن برای ساخت اجتماعی یک جامعه و در جهت ازدیاد رفاه و بهبود زندگی افراد برنامه‌ریزی می‌شود.^۵

فرآیند هدایت و جهت‌گیری و ایجاد هماهنگی در برنامه‌هایی که جنبه رشد و تعالی انسانی دارد و یا موجبات بهزیستی انسان را فراهم می‌آورد.^۶

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

۲. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

3. Social Planning

۴. درسی، ۱۳۸۵.

۵. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

۶. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.



- برنامه‌ریزی ویژه - تخصیص داده شده^۱

این برنامه به هماهنگی و تعیین تضادها و تضمین کارآیی عمل سیستم موجود در طول زمان و در تطابق با خط‌مشی‌های در حال تغییر می‌پردازد. گاهی برنامه‌ریزی تنظیمی نیز نامیده می‌شود.^۲

- برنامه‌ریزی ارشادی^۳

• برنامه‌ای متکی بر سازوکار قیمت‌ها. دولت در کنار سیاست‌های مالیاتی و کمک‌های رایگان، سرمایه‌گذاری و تولید را در راستای اهداف مورد نظر انجام می‌دهد.^۴

• نوعی از برنامه‌ریزی است که در آن برنامه حاصله بیشتر جنبه راهنمایی و مشاوره دارد و در آن خطوط و نقطه‌نظرهای اصلی مشخص شده است.^۵

- برنامه‌ریزی از بالا به پایین^۶

• روشی که در آن شناسایی امکانات و منابع ملی در سطوح بالای برنامه‌ریزی براساس اطلاعات تهیه شده در سطوح پایین‌تر صورت می‌گیرد. بنابراین منابع برنامه به‌طور کلان توسط تصمیم‌گیرندگان سیاسی کشور و مسئولان برنامه‌ریزی مرکزی تخصیص می‌یابد.^۷

• روشی که در آن شناسایی امکانات و منابع ملی در سطوح بالای برنامه‌ریزی صورت گرفته و تخصیص آن منابع به موارد کلان توسط تصمیم‌گیرندگان سیاسی مملکت و مسئولان برنامه‌ریزی مرکزی انجام می‌پذیرد.^۸

- برنامه‌ریزی از پایین به بالا^۹

روش جهت مشارکت عمومی مردم در امر برنامه‌ریزی شناسایی امکانات و نیازهای جامعه به مدد نهادهای موجود در این روش به قصد هماهنگی و تلفیق در برنامه کلان، نیازها و برنامه‌ها به سطوح بالای برنامه‌ریزی گزارش می‌شود.^{۱۰}

1. Allocated Planning/ Special Planning

۲. مدرسی، ۱۳۸۵.

3. Indicative Planning

۴. مدرسی، ۱۳۸۵.

۵. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

6. Up/Top-down Planning

۷. مدرسی، ۱۳۸۵.

۸. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

9. Down-UP Planning.

۱۰. برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیز خوانده می‌شود، مدرسی، ۱۳۸۵.

فرآیندی است در جهت مشارکت عمومی مردم در امر برنامه‌ریزی و شناسایی امکانات و نیازهای جامعه به مدد نهادهای موجود و گزارش امکانات و نیازهای برنامه‌ها به سطوح بالای برنامه‌ریزی برای هماهنگی و تلفیق در تهیه برنامه کلان برنامه‌ریزی منطقه‌ای را نیز اصطلاحاً برنامه‌ریزی از پایین به بالا نیز می‌گویند.^۱

- برنامه‌ریزی استراتژیک - راهبردی^۲

برنامه‌ریزی در مورد هدف‌های بلندمدت سازمان و انتخاب فعالیت‌های لازم جهت تحقق آنها در برنامه‌ریزی استراتژیک، اولویت‌ها و همچنین اقدام‌های اصلی و کلیدی برای نیل به هدف‌های سازمان، تعیین می‌شوند. ویژگی‌های عمده این برنامه‌ریزی جامع عبارتند از:

- منعکس کردن ارزش‌های حاکم،
- توجه به سؤال‌های اصلی و اساسی (مانند برنامه‌های فعلی و آتی، جهت‌گیری‌های آینده، امکانات موجود و آتی)،

- تعیین چارچوبی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مدیریت،
 - دید بلندمدت و توجه به افق‌های دورتر،
 - ایجاد پیوستگی و انسجام در عملیات و اقدام‌ها در دوره‌های زمانی طولانی،
 - فراگیری برنامه‌های عملیاتی سازمان و جهت‌بخشی به آنان.^۳
- برنامه‌ریزی استراتژیک گونه‌ای از برنامه‌ریزی است که در آن هدف، تعریف و تدوین استراتژی‌هاست. از آن جمله که استراتژی می‌تواند دارای عمر کوتاه و بلند باشد برنامه‌ریزی استراتژیک هم می‌تواند کوتاه‌مدت و بلندمدت باشد.^۴
- نوعی از برنامه‌ریزی بلندمدت که به دیدن دورنمای جامعه یا بخش منجر می‌شود.^۵

- برنامه‌ریزی اقتصادی^۶

- فرآیند هدایت، جهت‌گیری و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های بخش‌های تولیدی. قلمرو برنامه‌ریزی اقتصادی بیشتر مسائل مادی و اقتصادی جامعه است. البته جنبه‌های اجتماعی قوی نیز دارد.^۷

۱. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

2. Strategic planning.

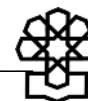
۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

۴. برنامه‌ریزی استراتژیک (راهبردی) برای سازمان‌های دولتی عمومی غیرانتفاعی، Bahar.co.ir.

۵. مدرسی، ۱۳۸۵.

6. Economic Planning

۷. مدرسی، ۱۳۸۵.



• فرآیندی است در زمینه هدایت و جهت‌گیری و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های بخش‌های مختلف اقتصادی و تولیدی هر برنامه‌ریزی اقتصادی یا فیزیکی، جنبه‌های اجتماعی قوی نیز دارد.^۱

• تلاش آگاهانه یک سازمان مرکزی برای تحت تأثیر قرار دادن، جهت دادن یا در مواردی حتی کنترل تغییراتی که در متغیرهای اصلی اقتصادی (نظیر محصول ناخالص داخلی، مصرف، سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و...) یک کشور یا یک منطقه معین در طول زمان و طبق مجموعه هدف‌های از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد. اساس برنامه‌ریزی اقتصادی در سه مفهوم تأثیر، جهت و کنترل خلاصه می‌شود.^۲

- برنامه‌ریزی اقتصاد کلان^۳

فرآیندی برای تحلیل، پیش‌بینی و تعیین مقادیر متغیرهای کلان اقتصادی، مانند تولید ملی، درآمد ملی، صادرات و واردات، اشتغال و... جهت نیل به هدف‌های تعیین شده است.^۴

فرآیندی است برای تحلیل، پیش‌بینی و تعیین مقادیر متغیرهای اقتصادی، نظیر تولید ملی، درآمد ملی، صادرات و واردات و اشتغال، تعیین سهم بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی در جهت نیل به هدف‌های تعیین شده است.^۵

- برنامه‌ریزی آمایش سرزمین

عبارت است از: فرآیند بهره‌برداری عقلایی از امکانات، منابع و استعداد‌های مناطق مختلفی که مجموعه سرزمین ملی را تشکیل می‌دهد در چارچوب برنامه.^۶

برنامه‌ریزی آمایش سرزمین عبارت است از: فرآیند بهره‌برداری عقلایی، از امکانات، منابع و استعداد‌های مناطق مختلفی (فضای ملی) که مجموعه سرزمین ملی را تشکیل می‌دهد.^۷

۱. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

۳. مدرسی، ۱۳۸۵.

۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

۵. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

- برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر^۱

در این نوع، دولت مقادیر کلی سرمایه‌گذاری، مصرف و مخارج کل را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما در درون رقم کلی که به آن تمایل وجود دارد، حساب‌های مخصوص بنگاه‌ها و افراد را به حال خود می‌گذارد تا نقش خود را ایفا کنند. دولت همچنین می‌کوشد براساس سازوکار تشکیل قیمت‌ها آسیبی نزند.^۲

- برنامه‌ریزی بخشی (در سطح میانه)^۳

• فرآیند تصمیم‌گیری و پیش‌بینی فعالیت‌های هماهنگ شده یک بخش اقتصادی یا اجتماعی یا زیربنایی در قالب راهبرد (استراتژی) توسعه ملی و اهداف پیش‌بینی شده. فرآیند تنظیم روند تغییرات حال و آینده یک بخش معین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب هدف‌های ملی.^۴

• عبارت است از: فرآیند تصمیم‌گیری و پیش‌بینی فعالیت‌های هماهنگ شده یک بخش اقتصادی یا اجتماعی و یا زیربنایی در قالب استراتژی توسعه ملی و هدف‌های پیش‌بینی شده.^۵

• فرآیند تصمیم‌گیری و پیش‌بینی فعالیت‌های هماهنگ شده یک بخش اقتصادی یا اجتماعی و یا زیربنایی در قالب استراتژی توسعه ملی و هدف‌های پیش‌بینی شده است. به عبارت دیگر فرآیند تنظیم روند تغییرات حال و آینده یک بخش معین اقتصادی و اجتماعی در چارچوب هدف‌های ملی است.^۶

- برنامه‌ریزی پروژه^۷

فرآیندی که بنا به آن، نوع فعالیت‌های لازم برای حصول به اهداف در چارچوب منابع موجود به دقت شناسایی و مشخص می‌شود. این امر از طریق تهیه طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری محقق می‌شود.^۸

- برنامه پیش‌ساخته

برنامه‌ای که توسط مسئولان برنامه‌ریزی با توجه به اطلاعاتی که از محیط به دست آورده و میزان امکانات و منابعی که در دسترس داشته‌اند، تهیه شده است.^۹

1. Flexible Planning

۲. مدرسی، ۱۳۸۵.

3. Sectoral Planning

۴. مدرسی، ۱۳۸۵.

۵. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

7. Project Planning

۸. مدرسی، ۱۳۸۵.

۹. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.



- برنامه‌ریزی تولید^۱

این برنامه‌ریزی شامل پیش‌بینی و تعیین هدف تولید برای آینده با توجه به پیش‌بینی فروش و امکانات واحد تولیدی است.^۲

- برنامه‌ریزی جامع^۳

• برنامه‌ریزی جامع یا برنامه‌ریزی کلی، پیشرفته‌ترین شکل برنامه‌ریزی توسعه است. خروجی این فرآیند، حاصل جمع برنامه‌های جزئی یا بخشی است که به درستی هماهنگ و برنامه‌ریزی شده است. برنامه جامع، کل اقتصاد از جمله بخش خصوصی را نیز دربرمی‌گیرد.^۴

• در این نوع برنامه‌ریزی، کل اقتصاد از جمله بخش خصوصی را دربرمی‌گیرد و به هنگام تهیه آن باید با سرمایه‌گذاران بزرگ^۵ در بخش خصوصی، مشاوره پیوسته صورت گیرد.^۶

- برنامه‌ریزی جامع توسعه^۷

تلفیقی از برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و توسعه فضایی برای عمران هماهنگ در مناطق، از طریق تخصیص منابع اقتصادی بین بخش‌های اقتصادی و تخصیص فضایی توسعه بین فعالیت‌های مختلف، با رعایت تقدم و تأخر فعالیت‌ها در طول زمان.^۸

- برنامه‌ریزی چندهدفی

در این برنامه‌ریزی هدف‌های مختلفی وجود دارد. این برنامه‌ریزی به طریقی انجام می‌شود که طی مراحل اجرا، مرحله به مرحله به تمام اهداف مورد نظر دسترسی پیدا شود. غالباً این هدف‌ها مکمل یکدیگر بوده و بی‌توجهی به یکی از آنها باعث اختلال در کل برنامه می‌شود.^۹

1. Production Planning

۲. مدرسی، ۱۳۸۵.

3. Comprehensive Planning

۴. مدرسی، ۱۳۸۵.

5. Large-scale

۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

7. Development Comprehensive Planning

۸. مدرسی، ۱۳۸۵.

۹. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

- برنامه‌ریزی خرد^۱

در طرح‌ها و پروژه‌های داخل بخش صورت می‌گیرد.^۲

- برنامه‌ریزی خطی^۳

یک روش ریاضی و کمک ابزار تصمیم‌گیری برای مدیریت که در آن با کاهش تعداد عوامل در یک مسئله دشوار، بهترین راه‌حل انتخاب می‌شود.^۴

- برنامه خود ساخته

برنامه‌ای که توسط مردم تهیه می‌شود و مجریان و مسئولان اداری باید آن را اجرا کنند. اشکال این برنامه این است که به احتمال قوی از لحاظ اختصاص منابع و امکانات واقع‌بینانه نخواهد بود.^۵

- برنامه‌ریزی روستایی^۶

• هدف این برنامه‌ریزی ارتقای سطح توسعه و رفاه روستاهاست. این برنامه‌ریزی به صورت سلسله‌مراتبی از مرکز به روستا منتقل می‌شود.^۷

• توجه برنامه‌ریزی به نقاط روستایی معطوف است و هدف، ایجاد تعادل در ثروت، رفاه، فعالیت‌های اجتماعی و استفاده از سایر امکانات اقتصادی و اجتماعی در جوامع روستایی با یکدیگر و با شهرهاست.^۸

- برنامه‌ریزی شهری^۹

• این برنامه‌ریزی به منظور تأمین نیازهای خدمات شهری و با در نظر گرفتن عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی در یک سیستم برنامه‌ریزی شهری جامع و پویا انجام می‌شود و عبارت است از: مشخص کردن سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری و هماهنگ کردن آنها با سایر برنامه‌های

1. Micro Planning

۲. مدرسی، ۱۳۸۵.

3. Linear Programming

۴. مدرسی، ۱۳۸۵.

۵. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

6. Rural Planning

۷. مدرسی، ۱۳۸۵.

۸. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

9. Urban Planning



عمرانی در سطح منطقه و کشور و تنظیم برنامه‌ها و طرح‌ها در دوره زمانی معین.^۱

- در این نوع برنامه‌ریزی واحد برنامه‌ریزی، شهر است و سعی می‌شود که شهر از لحاظ فیزیکی و محل استقرار سرویس‌ها و خدمات، به طریقی باشد که حداکثر کارآیی را دارا بوده و در نتیجه به بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی مردم ساکن در آن بیانجامد.^۲

- برنامه‌ریزی غلتان^۳

نوعی از برنامه‌ریزی که در آن بعد از تعیین افق زمانی (۵ یا ۱۰ ساله) ۲ تا ۳ سال پس از شروع، در کل برنامه بازنگری صورت می‌گیرد و براساس مقدار پیشرفت انجام شده و منابع مالی کاهش یا افزایش یافته، برنامه طبق همان افق زمانی قبلی، با توجه به آمار و اطلاعات جدید طراحی می‌شود. عمل بازنگری هر ۲ تا ۳ سال یک بار صورت می‌گیرد.^۴

- برنامه‌ریزی غیرمتمرکز^۵

- نوعی از برنامه‌ریزی غیرمتمرکز در زمینه‌های هدفگذاری، سیاستگذاری و اجرا. بنابراین برنامه‌ریزی مقامات مسئول نواحی و استان‌ها در تعیین اهداف، راهبردها، سیاست‌ها، تخصیص منابع و در اجرای برنامه به درجات مختلف و به طرق گوناگون مشارکت دارند. عدم تمرکز تا حدود زیادی متأثر از نظام حاکم، نظام برنامه‌ریزی، قانون اساسی و سایر قوانین هر کشور است و تاحدودی نیز به توان تخصصی و اجرایی نواحی و استان‌ها بستگی دارد.^۶
- برنامه‌ریزی ممکن است در زمینه‌های هدفگذاری، سیاستگذاری و اجرا، غیرمتمرکز باشد. یعنی مقام‌های مسئول نواحی و یا استان‌ها در تعیین اهداف، استراتژی‌ها، سیاست‌ها، تخصیص منابع و یا در اجرای برنامه به درجات مختلف و به طرق گوناگون مشارکت داشته باشند. عدم تمرکز تا حدود زیادی متأثر از نظام حاکم، نظام برنامه‌ریزی، قانون اساسی و سایر قوانین هر کشور است و تاحدودی نیز به توان تخصصی و اجرایی نواحی و استان‌ها بستگی دارد.^۷

۱. مدرسی، ۱۳۸۵.

۲. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

3. Rolling Planning

۴. مدرسی، ۱۳۸۵.

5. Decentralized Planning

۶. مدرسی، ۱۳۸۵.

۷. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

- برنامه‌ریزی فضایی^۱

- فرآیند بهره‌برداری عقلایی از امکانات، منابع و استعداد‌های مناطق مختلف (فضای ملی) تشکیل‌دهنده سرزمین ملی.
- برنامه‌ریزی فضایی عبارت است از: نحوه توزیع و سازمان‌یابی انسان و فعالیت‌ها در پهنه سرزمین.^۲

- برنامه‌ریزی فنی^۳

- عبارت است از: مجموع اقدامات در زمینه تعیین ضوابط و استانداردها و مشخصات تکنیکی در دوره‌های زمانی مختلف.^۴
- مجموع اقدامات در زمینه تعیین ضوابط و استانداردها و مشخصات تکنیکی در دوره‌های مختلف زمانی.^۵

- برنامه‌ریزی فیزیکی (کالبدی)^۶

- فرآیندی است در زمینه به کار بردن جنبه‌های فیزیکی و کالبدی و تجهیزاتی در برنامه‌ریزی.^۷
- برای بهبود در ساخت فیزیکی یک ناحیه برنامه‌ریزی می‌شود.^۸
- فرآیندی در زمینه به کار بردن جنبه‌های فیزیکی و کالبدی و تجهیزاتی در برنامه‌ریزی که امروزه بیشتر در قلمرو مسائل شهرسازی و مسکن، برنامه‌ریزی درون منطقه‌ای و آمایش سرزمین به کار می‌رود. این برنامه‌ریزی، مدیریت خردمندانانه فضا است. برخی نیز طرح‌ریزی کالبدی را نظارت بر عمران فضا و دگرگونی آن بر اثر فعالیت‌های انسانی تعریف کرده‌اند.^۹

- برنامه‌ریزی کلان (در سطح کلیات)^{۱۰}

- نوعی از برنامه‌ریزی که در آن، اهداف، متغیرها و ابزار برنامه‌ریزی، همگی دربرگیرنده تمامی نظام اقتصادی کشور است. اهداف این سطح برنامه‌ریزی عبارت است از: توسعه اقتصادی،

1. Spatial Planning

۲. مدرسی، ۱۳۸۵.

3. Technical Planning

۴. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

۵. مدرسی، ۱۳۸۵.

6. Physical Planning

۷. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

۸. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

۹. مدرسی، ۱۳۸۵.

10. Macro-Planning



اجتماعی، فرهنگی و... به طور کلی، کوشش‌هایی که در زمینه برآورد عوامل کلان اقتصادی مانند: تولید ملی، درآمد ملی، صادرات و واردات، اشتغال و... تعیین سهم بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و... برای نیل به هدف‌های تعیین شده صورت می‌گیرد، برنامه‌ریزی کلان نامیده می‌شود.^۱

• عبارت است از: فرآیند مطالعه و پیش‌بینی و تخصیص عوامل اساسی اقتصاد ملی به عبارت دیگر کوشش‌هایی که در زمینه برآورد عوامل کلان اقتصادی جهت نیل به هدف‌های تعیین شده اجتماع صورت می‌گیرد.^۲

• عبارت است از: فرآیند تحلیل و پیش‌بینی و تخصیص منابع و امکانات اساسی کشور و به عبارت دیگر کوشش‌هایی در زمینه تحقق اهداف اساسی کشور مجموعه‌ای از اهداف و بیان استراتژی‌ها، سیاست‌ها و سازماندهی لازم برای نیل به اهداف تعیین شده. نوعی تصمیم‌گیری در سطح ملی است و کل جامعه و اهداف و استراتژی‌های اساسی توسعه کشور را مورد توجه قرار می‌دهد و در مقابل برنامه‌ریزی بخشی و منطقه‌ای به کار می‌رود.^۳

- برنامه‌ریزی کلی و سرجمع^۴

در این نوع برنامه‌ریزی نحوه تنظیم سیاست‌های کلی سازمان در به‌کارگیری ظرفیت سیستم عملیاتی و برآورد تقاضا با اقتصادی‌ترین روش در طول یک دوره معین مشخص می‌شود.^۵

- برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت

برنامه‌های پنج‌ساله و کمتر.^۶

- برنامه‌ریزی مالی^۷

• این برنامه‌ریزی شامل کوشش‌هایی جهت تنظیم و پیش‌بینی جریان‌های ارزی و مالی کشور در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی می‌شود.^۸

۱. مدرسی، ۱۳۸۵.

۲. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

4. Aggregate Planning

۵. مدرسی، ۱۳۸۵.

۶. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

7. Financial Planning

۸. مدرسی، ۱۳۸۵.

- عبارت از کوشش‌هایی است در جهت تنظیم و پیش‌بینی جریان‌های ارزی و مالی کشور در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی.^۱
- عبارت است از: کوشش‌هایی در جهت تنظیم و پیش‌بینی جریان‌های ارزی و مالی کشور در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی.^۲

- برنامه‌ریزی متمرکز شده^۳

- در این برنامه‌ریزی میزان تولید، سرمایه‌گذاری و قیمت‌ها در سطح بخش‌های اقتصادی و تا کوچک‌ترین حد ممکن برای بخش دولتی و بخش غیردولتی از سوی دولت مرکزی تعیین می‌شود. دولت تعیین می‌کند: چه باید تولید شود، چه میزان تولید شود و چگونه عوامل تولید بین مصارف مختلف توزیع شود. این برنامه‌ریزی در مرکز انجام می‌شود و سپس به بخش‌های مختلف اقتصاد دیکته می‌شود.^۴
- نوعی از برنامه‌ریزی است که در آن میزان تولید، سرمایه‌گذاری و قیمت‌ها در سطح بخش‌های اقتصادی و تا ریزترین حد ممکن برای بخش دولتی و بخش غیردولتی از طرف دولت مرکزی تعیین می‌شود. در برنامه‌ریزی متمرکز، دولت تعیین می‌کند چه باید تولید شود، چه میزان تولید شود و چگونه عوامل تولیدی بین مصارف مختلف توزیع شوند.^۵

- برنامه‌ریزی محله

- در این برنامه‌ریزی، واحد محله است و بیشتر توجه به این موضوع است که مردم محله بتوانند به خدمات و سرویس‌های عمومی به راحتی دسترسی داشته باشند یعنی هر کسی بتواند در محله به راحتی احتیاجات خود را برآورده کرده و زندگی کند.^۶

- برنامه‌ریزی مدیریتی^۷

- این نوع بر سیستم‌های مدیریت برنامه‌ریزی تأکید دارد و مشتمل بر متمرکز یا اجباری، نیمه‌متمرکز، مختلط، ارشادی و موضعی و موردی است.^۸

۱. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

3. Centralized Planning.

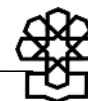
۴. مدرسی، ۱۳۸۵.

۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

۶. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

7. Management Planning

۸. مدرسی، ۱۳۸۵.



- برنامه‌ریزی مرکزی^۱

- در این نوع برنامه‌ریزی، اهداف برنامه اقتصادی و ابزار نیل به آن اهداف نیز توسط دولت تعیین و ابلاغ می‌شود.^۲
- در یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده مرکزی، تصمیم‌ها در مرکز گرفته می‌شوند و به صورت فرمایشی امور مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری مؤسسات و نهادها را مشخص می‌کنند. مزیت‌هایی که برای این سیستم دستوری بیان می‌شود، جلوگیری از دوباره کاری و استفاده از تمام منابع اقتصادی به نفع عموم مردم است. برنامه‌ریزی متمرکز در مقیاس بزرگ در شوروی سابق و اروپای شرقی امتحان شده بود.^۳
- برنامه‌ریزی متمرکز بر این فرض استوار است که «عموم مردم» (البته در عمل به معنی نهادهای برنامه‌ریزی حکومتی یا دولتی است) می‌دانند یا می‌توانند بفهمند که چه چیزی مورد نیاز است (چی تولید کنند) و چگونه آنها را تولید کنند (دستورات مرتبط با تحقق این نیازها را صادر کنند) و ابزارهای تولید را نیز معین کنند تا تمامی نیازها به صورت اقتصادی برآورده شود.^۴

- برنامه‌ریزی مکانی^۵

- این نوع برنامه‌ریزی فضاهای جغرافیایی را دربرمی‌گیرد.^۶

- برنامه‌ریزی ملی^۷

- نوعی از برنامه‌ریزی که استراتژی‌های اقتصادی - اجتماعی در سطح ملی را در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مورد تأکید قرار می‌دهد. این برنامه‌ریزی بر سیاست‌های رشد توجه اساسی دارد.^۸
- در سطح کشور مطرح می‌شود و بیشتر سعی دارد که چارچوبی جهت توسعه و گذران امور جاری کشور مشخص نماید. در این برنامه‌ریزی به جنبه‌های اقتصادی توسعه، مخصوصاً تأمین بودجه برای فعالیت‌های رفاهی، اجتماعی و تولیدی در سطح کشور توجه زیادی می‌شود.^۹

1. Central Planning

۲. مدرسی، ۱۳۸۵.

۳. دیکشنری اقتصادی آنلاین آکسفورد.

۴. دیکشنری اقتصادی پالگریو.

5. Location Planning

۶. مدرسی، ۱۳۸۵.

7. National Planning

۸. مدرسی، ۱۳۸۵.

۹. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

- برنامه‌ریزی منطقه‌ای^۱

- فرآیندی است در جهت تنظیم و هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی با نیازها و امکانات محلی.^۲
- فرآیندی که مشارکت مردم و مناطق را در برنامه‌ریزی همراه با فراهم کردن اسباب برنامه‌ریزی دربرمی‌گیرد. این فرآیند از پایین به بالا و در جهت انطباق برنامه‌های ملی با ویژگی‌های ناحیه‌ای است.^۳
- فرآیندی است در جهت تنظیم و هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی با توجه به ابعاد امکانات مناطق مفهوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای دربرگیرنده دو مفهوم خاص به شرح زیر است:
 - برنامه‌ریزی بین منطقه‌ای^۴ که در آن سازمان برنامه‌ریزی با یک دید منسجم از امکانات مناطق، سعی در بهره‌برداری بهینه از امکانات و فضای مناطق (فضای ملی) در پاسخگویی به نیازها و اهداف ملی را دارد.
 - برنامه‌ریزی درون منطقه‌ای^۵ که در آن مسائل مکان‌یابی، طراحی‌های فیزیکی - کالبدی و معماری‌های محلی، شهری و روستایی سهم عمده را دربرمی‌گیرد و به مسائل اجرایی نزدیک‌تر است.
 - اصولاً در نظام برنامه‌ریزی آنچه تحت عنوان عمومی برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد نظر است، همان مفهوم اول (برنامه‌ریزی بین منطقه‌ای) است که هدف آن بهینه‌سازی اقتصادی اجتماعی، فضای ملی با توجه به امکانات منطقه‌ای است.^۶

- برنامه‌ریزی منطقه‌ای

- این برنامه‌ریزی حد فاصل بین برنامه‌ریزی محلی و برنامه‌ریزی ملی است که در آن به جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی و اقتصادی یک منطقه خاص توجه می‌شود. بر دو نوع است: برنامه‌ریزی داخل منطقه‌ای و برنامه‌ریزی بین منطقه‌ای.^۷

1. Regional Planning

۲. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

۳. مدرسی، ۱۳۸۵.

4. Interregional planning

5. Interaregional planning

۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

۷. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.



- برنامه‌ریزی موضوعی^۱

برنامه‌ریزی که در آن بر موضوع تأکید می‌شود که انواع آن برنامه‌ریزی کلان اقتصادی، اجتماعی، بخشی، بین بخشی، جامع نیروی انسانی، بخشی - منطقه‌ای و... است.^۲

- برنامه‌ریزی میان‌بخشی^۳

• فرآیندی از برنامه‌ریزی به منظور هماهنگ کردن تصمیم‌گیری‌ها و پیش‌بینی عوامل مشترک و ذیربط بین برنامه‌های بخشی. تعیین و حفظ منطقی ارتباطات بین بخشی، زمینه برنامه‌ریزی میان بخشی را تشکیل می‌دهد.^۴

• فرآیندی است در برنامه‌ریزی که به منظور هماهنگ کردن تصمیم‌گیری‌ها و پیش‌بینی عوامل مشترک و ذیربط بین دو برنامه بخشی یا منطقه‌ای به وجود می‌آید.^۵

• فرآیندی از برنامه‌ریزی به منظور هماهنگ کردن تصمیم‌گیری‌ها و پیش‌بینی عوامل مشترک و ذیربط بین برنامه‌های بخشی، تعیین و حفظ منطقی ارتباطات بین بخشی زمینه برنامه‌ریزی میان بخشی را تشکیل می‌دهد.^۶

- برنامه‌ریزی میان‌مدت

برنامه‌ریزی در بازه زمانی ۵ ساله تا ۱۰ ساله.^۷

- برنامه‌ریزی نوآورانه (توسعه)^۸

نوعی از برنامه‌ریزی که نه تنها برای افزایش کارآیی نظام موجود برنامه‌ریزی می‌کند، بلکه بیشتر به توسعه و تحول یک نظام می‌پردازد و با معرفی اهداف جدید سعی در ایجاد تغییر در مقیاس وسیع دارد.^۹

1. Subject Planning

۲. مدرسی، ۱۳۸۵.

3. Intersectoral Planning

۴. مدرسی، ۱۳۸۵.

۵. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.

۷. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.

8. Innovative Planning

۹. مدرسی، ۱۳۸۵.

- برنامه‌ریزی نیروی انسانی

فرآیندی است در جهت شناخت و پیش‌بینی کمی و کیفی نیروی انسانی در ارتباط با تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه همچنین به معنی تأمین نیروی انسانی کارآمد در آینده نیز به‌کار برده می‌شود.^۱

- برنامه‌ریزی یک هدفی

در این حالت فقط یک هدف وجود دارد و کلیه کارهایی که انجام می‌شود برای نیل به همان هدف مخصوص است.^۲

(ه) سایر مفاهیم

برخی مفاهیم به‌کار برده شده در فرآیند برنامه‌ریزی، شاکله یک برنامه و اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی عبارتند از:

- هدف^۳

در برنامه‌ریزی توسعه، هدف عبارت است از: غایت خواسته‌های نهایی جامعه اعم از اقتصادی یا اجتماعی و یا فرهنگی که منبث از نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه است و برنامه‌ها برای دستیابی به آنها تدوین می‌شود. هدف ممکن است کیفی و یا کمی باشد، ولی دارای این ویژگی است که در پایان زمان برنامه می‌توان درجه نسبی تحقق آن را تعیین کرد.

- هدف‌های برنامه^۴

مجموعه مقاصد و منظورهایی که در جریان برنامه‌ریزی پیش‌بینی می‌گردد و عملیات اجرایی برنامه در جهت نیل به آن مقاصد تنظیم می‌شود، اهداف برنامه نامیده می‌شود.

- هدف‌های کمی برنامه^۵

هدف‌های کمی براساس شاخص‌های کمی هدفگذاری و برای تحقق اهداف کیفی بخش تعیین

۱. فقیه‌نصیر و همکاران، ۱۳۸۸.

۲. کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.



می‌شوند و براساس آنها وضعیت مطلوب بخش و یا اجزا و سازمان‌های مختلف آن در زمان مشخص در طول دوره برنامه‌ریزی مشخص می‌گردد. در تعیین اهداف باید توجه کرد که این اهداف با توجه به تحلیل دقیق عملکرد گذشته از یکسو و استراتژی کلی برنامه ازسوی دیگر تدوین گردد. مثال‌هایی برای هدف‌های کمی برنامه عبارتند از: ۷ درصد رشد تولید ناخالص داخلی، تنزل نرخ بیکاری به ۵ درصد جمعیت فعال از نظر اقتصادی در سال پایانی برنامه، کنترل تورم در حد ۱۰ درصد در طول برنامه.

- هدف‌های کیفی برنامه^۱

هدف‌هایی که هر بخش در رابطه با زمینه‌های مختلف فعالیت خود را به‌طور کیفی وضع می‌کند به هدف کیفی نسبت داده می‌شود. اهدافی نظیر افزایش کارآیی اقتصادی بخش، افزایش کیفیت محصولات و یا خدمات بخشی و... که براساس اهداف کلی برنامه و توسعه و همچنین تحلیل عملکرد گذشته و موجود بخش تنظیم می‌شود. هدف‌های کیفی برنامه باید به نحوی تعیین شود که در پایان دوره برنامه بتوان میزان نسبی تحقق اهداف را مشخص کرد. به‌عبارت دیگر، اهداف کیفی به اهداف کمی مبدل شوند.

- اجرای برنامه^۲

انجام عملی اهداف مشخص شده در برنامه توسعه. بعضی از دشواری‌هایی که در راه تحقق یافتن اهداف برنامه وجود دارد، ناشی از کافی نبودن منابع اقتصادی، تأثیر متغیرهای خارج از کنترل دولت، آثار تورم و مهمتر از همه فقدان خواست سیاسی است.

- راهبرد^۳ (استراتژی)^۴

چارچوبی است که مجموعه حرکات و اقدام‌های اصلی را برای دستیابی به اهداف ترسیم کرده و چگونگی تخصیص کلی منابع را برای به‌دست آوردن موقعیت‌های مطلوب و خنثی کردن تهدیدها در حال و آینده بیان می‌دارد. تدوین استراتژی مستلزم برگزیدن یک جهت‌گیری کلی و تخصیص منابع از میان چارچوب‌های جایگزین است و چارچوبی را در اختیار مدیریت خواهد گذاشت که توان اجرایی و امکان برخورد بهینه با تغییرات محیطی را فراهم می‌سازد.

1. Qualitative Goals
2. Plan Implementation
3. Strategy

۴. واژه استراتژی از کلمه یونانی استرانگوس گرفته شده که به معنای رهبری است Bahar.co.ir.

- خط‌مشی (سیاست)^۱

خط‌مشی عبارت است از:

- هدف‌ها و اصل‌هایی که راهنمای تصمیم‌گیرندگان در سازمان است.
 - تصمیمات بلندمدت که مبتنی بر اطلاعات و تفکر و تعمق اتخاذ می‌گردد.
 - رهنمودهای عمومی و کلی به‌منظور رسیدن به هدف‌های مشخص می‌باشد.
- به‌عبارت دیگر، خط‌مشی، دستور راهنمای تفکر و تصمیم‌گیری برای مدیران است. همان‌طور که راهبرد (استراتژی) جهت‌گیری کل و چارچوب تخصیص منابع یک برنامه را مشخص می‌کند، سیاست‌ها، چارچوب‌ها و خطوط راهنمای تصمیم‌گیری در انتخاب گزینه‌های مختلف اجرایی استراتژی برای تحقق هدف را فراهم می‌کند. سیاست‌ها به‌صورت مجموعه‌ای از معیارها و تدابیر قانونی، فنی، اجرایی، پولی، مالی هستند که اتخاذ آنها موجبات و تسهیلات لازم جهت تحقق هدف‌های برنامه را فراهم می‌سازد. مثلاً برای تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری که هدف رشد اقتصادی بالاتر را تعقیب می‌کند، سیاست‌های پولی (سود بانکی و اعتبارات) و سیاست مالی (بخشودگی مالیاتی) و... ممکن است اتخاذ شود.

- برنامه اجرایی^۲

- مجموعه‌ای از عملیات و خدمات مختلف مرتبط برای تحقق هدف‌های مشخص شده، برنامه اجرایی اهداف، راهبردها و سیاست‌های اجرایی و طرح‌های متعدد را دربرمی‌گیرد.^۳
- برنامه، طرح اجرای کار، برنامه فرعی، دستور، نقشه، روش کار، ترتیب کار، صورت مشروح دستورهایی که عمل یک کامپیوتر را کنترل می‌کند.^۴
- دستورالعمل، برنامه، طرح، روش، نقشه، دستورالعمل‌هایی به‌صورت کد درآمده جهت استفاده در کامپیوتر یک برنامه معمولاً حاوی سری‌های مختلف اطلاعات است.^۵
- طرح، روش کار، ترتیب کار، روشی برای حل مسائل اطلاعاتی با استفاده از کامپیوتر، برنامه فرعی، طرح اجرای کار، دستور، نقشه، صورت مشروح دستورهایی که عمل یک رایانه را نظارت می‌کند، طرح کامل برای حل مسائل اطلاعات همراه با برنامه‌های اجرایی و نقشه کلی جریان دستگاه و برنامه مربوط به آنها.^۶

1. Policy
2. Program

۳. مدرسی، ۱۳۸۵.

۴. فرهنگ، ۱۳۵۶.

۵. قره‌باغیان، ۱۳۷۲.

۶. مریدی و نورزی، ۱۳۷۳.



- مدل برنامه‌ریزی^۱

مدلی ریاضی (نظیر مدل داده‌ها - ستانده‌ها یا مدل برنامه‌ریزی کلان) که به منظور نشان دادن صوری و بیان کمی ویژگی‌های عمده ساخت اقتصادی یک کشور خاص، طراحی می‌شود. مدل‌های برنامه‌ریزی، اساس کمی و تحلیلی اغلب برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای را فراهم می‌سازند.

- تلفیق برنامه‌ها^۲

تنظیم برقراری روابط بین عوامل مختلف برنامه‌های بخش و تنظیم و تدوین نهایی برنامه ملی را تلفیق برنامه گویند.

- دستورالعمل‌های برنامه^۳

کلیه ضوابط و ملاک‌های مشخص شده از قبل برای تهیه و تنظیم و اجرای یک برنامه یا فعالیت.

- سناریو (گزینه)^۴

• نمایش حوادث یا پدیده‌ها به صورت منظم (سلسله‌مراتب) و تحلیل روابط علت و معلولی آن پدیده‌ها به طوری که بتوان ویژگی‌ها و خصوصیات اجتماعی یک تحول معین را بر مبنای تعدادی فرضیات از پیش ساخته شده باز شناخت.

• یکی از شقوق ممکن عمل در برنامه‌ریزی معمول است که ابتدا شقوق مختلفی برای عمل پیشنهاد می‌شود و سپس این شقوق مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته و یکی از آنها انتخاب می‌شود.

- آمایش سرزمین^۵

در آمایش سرزمین، سیاست و خط‌مشی کلی توزیع جغرافیای فعالیت‌های برنامه مشخص می‌شود. از جمله مسائل مهم مطرح در آمایش سرزمین، توزیع جغرافیایی جمعیت، سکونت‌گاه‌ها و نحوه استفاده از اراضی کشور است.

-
1. Planing Model
 2. Consolidation of plans
 3. Guidelines
 4. Scenario
 5. Spatial Regional Planning

- اقتصاد برنامه‌ای (برنامه‌ریزی شده)^۱

- اقتصادی که تخصیص منابع در آن طبق برنامه است و به وسیله دولت دخالت و اعمال نظارت می‌شود.^۲
- سیستم اقتصادی که در آن دولت به جای نیروهای بازار و مکانیسم قیمت، عامل اصلی تعیین قیمت‌ها و تولید و تخصیص عوامل تولید در میان پروژه‌های مختلف تولیدی است.^۳
- اقتصادی که تخصیص منابع در آن طبق برنامه است و دولت دخالت و نظارت می‌کند. میزان دخالت دولت زیر تأثیر انگیزه سود به عنوان تخصیص‌دهنده منابع و بنابر درجه حمایت‌های مختلف از یک چنین نظامی تغییر می‌پذیرد.^۴
- اقتصادی که در آن دولت همه تصمیمات مهم و اساسی، در مورد اینکه چه باید تولید شود و چه کسانی باید آنها را دریافت کنند، می‌گیرد. این با اقتصاد بازار آزاد که در آن بیشتر تصمیمات توسط افراد و مؤسسات مستقل از دولت گرفته می‌شود در تضاد است. طرفداران اقتصاد برنامه‌ریزی شده ادعا می‌کنند که برنامه‌ریزی قادر است از دوباره‌کاری مسرفانه و بیکاری جلوگیری کند و باعث توزیع منصفانه کالاها شود.^۵
- یک سیستم اقتصادی که در آن اغلب یا همه تصمیمات مربوط به تخصیص، تولید، سرمایه‌گذاری، و توزیع به وسیله نهادهای حکومت مرکزی گرفته می‌شود.^۶

1. Planned Economy

۲. فرهنگ، ۱۳۵۶.

۳. قره‌باغیان، ۱۳۷۲.

۴. مریدی و نورزی، ۱۳۷۳.

۵. دیکشنری اقتصادی آنلاین آکسفورد.

۶. دیکشنری اقتصادی مک‌گرو هیل، ۱۹۷۳.



منابع و مآخذ

۱. فرهنگ، منوچهر. فرهنگ علوم اقتصادی انگلیسی به فارسی، چاپ شرکت افست گلشن، ۱۳۵۶.
۲. فرهنگ واژگان نظام فنی و اجرایی کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور فنی، دفتر فنی تدوین معیارها و کاهش خطرپذیری ناشی از زلزله، ۱۳۸۳.
۳. فقیه‌نصیر، مرجان و همکاران. برنامه‌ریزی توسعه، مبانی، مفاهیم و مطالعه تطبیقی تجربه کشورهای منتخب و ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۸.
۴. قره‌باغیان، مرتضی. فرهنگ اقتصادی و بازرگانی، انگلیسی به فارسی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲.
۵. مدرسی، منصور. فرهنگ توصیفی واژگان برنامه‌ریزی توسعه، معاونت امور اداری و منابع انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵.
۶. مریدی، سیاوش، علیرضا، نوروزی. فرهنگ اقتصادی، مؤسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۳.
۷. نگرشی بر کلیات برنامه‌ریزی، کارگروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.
۸. برنامه‌ریزی استراتژیک (راهبردی)، برای سازمان‌های دولتی عمومی غیرانتفاعی، <http://www.bahar.co.ir>
9. Encyclopedia Americana, Grolier Incorporated, Volume 9, 1995.
10. Encyclopedia of Economics, Douglas Greewald, McGraw-Hill, 1982.
11. The McGraw-Hill Dictionary of Modern Economics (A Handbook of Term), McGraw-Hill, 1973.
12. New Palgrave Dictionary of Economics, Edited by: John Eatwell, Murray Milgate, Peter Newman. Macmillan Press, Volume 3, 1987.
- Oxford Dictionary of Economics <http://www.enotes.com/econ-encyclopedia>
13. Rutledge Dictionary of Economics, Donald Rutherford, second edition, Rutledge London, 2002.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۲۹۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران ۱. مفاهیم و تعاریف برنامه و برنامه‌ریزی

نام دفتر: مطالعات برنامه و بودجه (گروه برنامه)

تهیه و تدوین: توحید آتش‌بار، مرضیه طاهری

ناظران علمی: حسن سبحانی، محمد قاسمی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. برنامه

۲. برنامه‌ریزی

۳. چشم‌انداز

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰